

منهای فوتبال

فر داء، سالگرد تختی در این بابویه



روز سه شنبه ۱۷ دی و در این بابویه شهری مراسم پنجاه و دومین سالگرد در گذشت جهان پهلوان غلامرضا تختی بر سر مزار وی برگزار می شود. به دلیل همزمانی این مراسم با مراسم تشییع پیکر شهید وحیدز مانیان از همراهان سردار رشید اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی، این مراسم از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۰ برگزار می شود. غلامرضا تختی در پنجم شهریور سال ۱۳۰۹ در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد. او ۲۰ سالگی کشتی رادر باشگاه پولاد زیر نظر حبیب... بلور آغاز کرد. تختی در رقابت های قهرمانی کشور طی سال های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۸ در وزن های ۶-۸ هشت بار قهرمان کشور شد. وی همچنین سه بار پهلوان ایران شد. تختی در اولین حضور خود در تیم ملی در رقابت های جهانی ۱۹۵۱ هلسنکی در وزن ۷۹ کیلوگرم صاحب مدال نقره شد و در اولین حضور خود در المپیک در رقابت های ۱۹۵۲ هلسنکی با شکست مقابل کوریده از شوروی صاحب مدال نقره شد. افتخارات پهلوان بزرگ کشتی ایران در رقابت های جهانی ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ تهران، یوکوهاما و تولیدو با کسب دو مدال طلا و یک مدال نقره ادامه یافت. تختی در المپیک ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ ملبورن و رم صاحب یک مدال طلا و یک مدال نقره شد. وی همچنین در بازی های آسیایی ۱۹۵۸ توکیو صاحب مدال طلا شد. تختی آخرین بار در رقابت های جهانی ۱۹۶۶ تولیدو و دوبنده تیم ملی را به تن کرد. غلامرضا تختی اولین کشتی گیر ایرانی است که موفق شد در سه وزن صاحب مدال شود. وی همچنین بر افتخارترین کشتی گیر تاریخ کشتی ایران در المپیک است. تختی در لیست بهترین های قرن فیلا در جایگاه سیزدهم قرار دارد و در رقابت های جهانی ۲۰۰۷ باکو نیز از وی به عنوان یکی از مشاهیر کشتی دنیا تجلیل شد. چهره پرافتخار و مردمی ورزش ایران ۱۷ دی ماه سال ۱۳۴۶ در هتل آتلانتیک سابق در گذشت.

اردوی هشت نفره کشتی آزاد

اردوی تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان از امروز در محل آکادمی ملی المپیک مجموعه ورزشی انقلاب تهران برگزار می شود و تا ۲۵ دی ادامه دارد. در این مرحله از اردو هشت نفر دعوت شدند که رضا طری در ۵۷ کیلوگرم، بهنام احسان پور در ۶۵ کیلوگرم، یونس امامی در ۷۴ کیلوگرم، حسن یزدانی و کامران قاسم پور در ۸۶ کیلوگرم، علیرضا کریمی و محمدحسین محمدیان در ۹۷ کیلوگرم و امیر حسین زارع در ۱۲۵ کیلوگرم این نقرات هستند. همچنین ۶ کشتی گیر دیگر متعاقب به این اردو دعوت خواهند شد. تیم منتخب کشتی آزاد کشورمان در رقابت های بین المللی رنکینگ اتحادیه جهانی، جام ماتنوپلیکونه ایتالیا که روزهای ۲۵ تا ۲۸ دی در شهر رم برگزار خواهد شد، شرکت خواهد کرد.

بازی تدارکاتی در چین

تیم های ملی والیبال ایران و قطر عصر دیروز یک نوبت تمرین در سالن مسابقات انتخابی المپیک شهر جیانگمن برگزار کردند که با موافقت دو سرمربی، از این فرصت برای یک دیدار تدارکاتی و دوستانه استفاده شد. ملی پوشان کشورمان صبح دیروز یک نوبت تمرین کشتی در محوطه هتل مقامات خود انجام دادند و بعد از ناهار هتل باز برای اسکان در هتل مسابقات ترک کردند. مسابقات انتخابی المپیک والیبال قاره آسیا در گروه مردان، از هفدهم تا بیست و دوم دی ماه به میزبانی شهر جیانگمن چین برگزار خواهد شد و تیم ملی ایران سه شنبه در نخستین دیدار خود به مصاف چین تایپه می رود.

استارت ۲۰۲۰ کاراته از شیلی

اعضای تیم ملی کاراته ایران برای حضور در نخستین مرحله از رقابت های لیگ جهانی کاراته در سال ۲۰۲۰ امروز دوشنبه راهی شیلی خواهند شد. این دوره از مسابقات لیگ جهانی سری A با حضور ۴۶۶ کاراته کاراز ۶۵ کشور جمعه ۲۰ دی ماه آغاز می شود. این دوره از مسابقات اولین سری از رقابت های هفت گانه کسب امتیاز ورودی المپیک است و بدون شک اهمیت ویژه ای برای مدعیان بالانشین رنکینگ جهانی دارد. دبیح... پور شیب، بهمن عسگری، سجاد گنج زاده، صالح اباندری، سارا بهمنیار، طراوت خاکسار، رزیتا علیپور، حمیده عباسعلی، فاطمه صادقی و شاهین جعفری کاراته کاهای ایرانی حاضر در این مسابقات هستند.

چند شباهت و چند تفاوت تاریخی بین شروع کار دو مربی

فرهاد در مسیر شهریار!

ماجرای سر مربیگری فرهاد مجیدی در استقلال، ناخود آگاه باد آور داستان شروع دوران مربیگری علی دایی در فوتبال ایران است. سال ها قبل، مربی خارجی سایپا ناگهان ایران را ترک کرد و شهریار به عنوان سرمربی آن تیم انتخاب شد. بین موقعیت امروز فرهاد و جایگاه دیروز دایی البته چند تفاوت بزرگ هم وجود دارد. سوال بزرگ اینجاست که آیا مجیدی مثل دایی در اولین فصل سرمربیگری به موفقیت خواهد رسید؟ آیا این اتفاق مثل دایی، در نهایت به آینده کاری او لطمه خواهد زد؟



آرپا طاری

آن چه در ماجرای استراماچونی با باشگاه استقلال رخ داده، بی شباهت به داستان قدیمی ورنر لورانت با باشگاه سایپا نیست. ۱۳ سال قبل، این مربی آلمانی با وجود رسیدن تیمش به صدر جدول، ناگهان تصمیم به ترک ایران گرفت. او بعدها فاش کرد که از غیر حرفه ای گری در فوتبال ایران به ستوه آمده و شرایط کاری اش در لیگ برتر، کاملاً نارضی بوده است. در دست

مثل مرد ایتالیایی، لورانت شبانه از ایران رفت و در دست مثل او، تمایلی به بازگشت از خودش نشان نداد. در غیاب این مربی، مدیران باشگاه سایپا هدایت تیم شان را به یکی از چهره های آشنا در فوتبال ایران سپردند. علی دایی که خودش برای سایپا توپ می زد، در ادامه فصل به عنوان مربی بازیکن تیم انتخاب شد. تا اینجا هر دو ماجرا در دست شبیه هم به نظر می رسند. دو سرمربی خارجی با وجود یک شروع خوب، شبانه از کشور می روند و یک مربی جوان داخلی برای

هدایت باشگاه انتخاب می شود. بین این دو داستان البته چند تفاوت کلیدی وجود دارد. اول اینکه علی دایی پیش از مربیگری سایپا، هرگز تجربه کار کردن در یک تیم دیگر را نداشت. او هنوز «بازیکن» بود و آخرین فصل از دوران بازی اش را سپری می کرد. از آخرین فصل فوتبال فرهاد مجیدی اما چند سال سپری شده است. او در این مدت در کلاس های مربیگری حضور داشته، مدتی دستیار وینفرد شفر در استقلال شده، برای چند مسابقه

نقش مربی موقت را در این تیم داشته و سپس برای چند ماه، هدایت تیم ملی امید را بر عهده گرفته است. شاید مربیگری در تیمی مثل استقلال، هنوز برای مجیدی زود باشد اما شرایط شروع رسمی کار او با شرایط شروع علی دایی قابل مقایسه به نظر نمی رسد. چرا که فرهاد عجله چندانی به خرج نداده و بخشی از مقدمات مربیگری را پشت سر گذاشته است. تفاوت مهم دیگر نیز به شرایط و باشگاه برمی گردد. کار کردن در باشگاهی مثل سایپا با حضور

در تیم پر هیاهو و پرمشاشگاری مثل استقلال متفاوت است. در سایپا اساساً انتظار خاصی از یک مربی وجود ندارد اما در استقلال حتی یک شکست، برای قرار دادن فشار مضاعف روی شانه های سرمربی کافی به نظر می رسد. پس از انتخاب فرهاد، استراماچونی اولین کسی بود که تلاش کرد به این مربی روحیه بدهد و او را بهترین گزینه برای هدایت باشگاه عنوان کرد. جالب اینجاست که ورنر لورانت نیز دقیقاً چنین برخوردی با انتخاب علی دایی به عنوان جانشینش در باشگاه سایپا داشت. او در آن مقطع، شهریار را بهترین گزینه ممکن برای سرمربیگری نارنجی ها دانسته بود. در پایان همان فصل، سایپا با علی دایی به قهرمانی لیگ برتر دست پیدا کرد. این اولین و آخرین قهرمانی نارنجی ها در همه ادوار لیگ برتر به شمار می رود. از یک جایی به بعد، شهریار دیگر اصراری به بازی کردن در ترکیب تیم نداشت و ترجیح می داد با ماندن روی نیمکت، تیم را به طرف جلو هدایت کند. او اواخر فصل، تصمیم های هوشمندانه ای گرفت و سرانجام با کنار زدن همه رقبای قهرمانی لیگ را از آن خودش کرد. این یک شروع رویایی برای آقای آقای بود اما درست از همین نقطه، تصمیم های اشتباه سریالی او شروع شدند. دایی زودتر از آن چه که باید، پیشنهاد سرمربیگری تیم ملی را پذیرفت و خودش را به دام قدراسیون فوتبال متغول و ناکام انداخت. او که با شیوه ای «فوتبالی» برای تیم ملی انتخاب نشده بود، با همین شیوه نیز از کار بر کنار شد و پس از آن نیز به جای انتخاب یک شرایط کاری آرام تر، به پرسپولیس رفت. حالا بعد از همه این سال ها، دایی را به عنوان یک

شاید مربیگری در تیمی مثل استقلال، هنوز برای مجیدی زود باشد اما شرایط شروع رسمی کار او با شرایط شروع علی دایی قابل مقایسه به نظر نمی رسد. چرا که فرهاد عجله چندانی به خرج نداده و بخشی از مقدمات مربیگری را پشت سر گذاشته است

مربی می شناسیم که هرگز برای کار از پایتخت خارج نشده و غالباً در تیم های بدون هوادار، مشغول به کار بوده است. در لیگ نوزدهم تنها تیم هایی مثل گل گهر سیرجان و شاهین بوشهر به این مربی پیشنهاد کار داده اند. پس حتی قهرمانی لیگ در پایان فصل، به معنای ساخته شدن فرهاد در قامت یک مربی جدید نخواهد بود. چرا که مربیگری، فراز و نشیب های زیادی دارد و به تصمیم های پیوسته در دست، وابسته است.

ماجرای استراماچونی، قربانیان زیادی در استقلال گرفت. از جواد زرینچه که نیمکت تیم را ترک کرد تا امیرحسین فتحی که چاره ای به جز استعفا نداشت و حتی علی فتحی از زاده که متوجه شد دیگر مثل گذشته محبوبیت چندانی در بین هواداران باشگاه ندارد. فرهاد نباید قربانی تازه این بازی باشد. او نباید در این باتلاق فرو برود. مجیدی در استقلال، کار بسیار سخت و نفس گیری خواهد داشت. یک شروع ایده آل از هفت محبوب اما خیلی زود خاطره استراماچونی را از ذهن بازیکنان پاک خواهد کرد.

تیم، هواداران هیچ موضعی علیه این تصمیم های مشکوک نمی گیرند؟ چرا مقابل ساختمان باشگاه تجمع نمی کنند؟ مساله اینجاست که همه آنها نظر یکپارچه ای در مورد کالدرون ندارند و بعضی های شان می توانند به راحتی با جدایی مرد آرژانتینی نیز کنار بیایند. جلسه های تمرینی پیش فصل پرسپولیس، مدتی دیرتر از چند تیم مدعی دیگر شروع شد. تیم اساساً در بسته شد و برای مدتی با مشکلات مربوط به جدایی برانکو دست و پنجه نرم کرد. انتظار نمی رفت باشگاه با چند شکست برابر تیم های بزرگ در شروع فصل، دیگر کمر راست کند اما قریزها در پایان نیم فصل اول، به صدر جدول رسیدند و قهرمان نیم فصل اول شدند. حالا از این تیم به عنوان مدعی اول قهرمانی نام برده می شود اما کالدرون به اندازه شایستگی های واقعی اش، مورد ستایش قرار نگرفته است. بعضی از هواداران پرسپولیس باور ندارند این تیم حتی بدون مربی هم می تواند روی سکوی اول لیگ بایستد. باوری که کاملاً غلط به نظر می رسد. پرسپولیس شاید ستارهای زیادی در اختیار داشته باشد اما حفظ انگیزه مهره هادر تیمی که قهرمان سه دوره متوالی لیگ برتر شده، کار بسیار سختی است. علاوه بر این در یک تیم پر ستاره، مربی برای انتخاب رنج نهایی و در عین حال راضی نگه داشتن همه بازیکنان، اصلاً کار راحتی ندارد. حتی خود برانکو نیز تصور نمی کرد پرسپولیس یکی از شانس های جدی قهرمانی لیگ در این فصل باشد و شاید به همین خاطر، قید ادامه حضور در

این باشگاه را زد. سرمربی آرژانتینی اما با هر مد زمین همه معادلات، نیم فصل را در ده ای بالاتر از همه مدعیان دیگر تمام کرد. تصور اینکه این تیم می تواند با یک مربی ایرانی هم به موفقیت برسد، در نوع خودش تصور عجیبی به نظر می رسد. هواداران باشگاه هنوز دوران سیاه دایی و درخشان را از یاد نبرده اند. شاید یحیی گزینه بدی برای سرخپوشان نباشد اما آیا او هم می تواند مثل کالدرون، چهره هایی مثل بیرانوند و شجاع خلیل زاده را نیمکت نشین کند؟ آیا او از جسارت کافی برای برخورد با ستاره های بزرگ تیم برخوردار است؟ آیا او تجربه ای در حد و اندازه گابریل کالدرون دارد؟ پرسپولیس ها باید دوران برانکو را فراموش کنند و از مقایسه دائمی کالدرون با او نیز دست بردارند. همه آنها یکی دستاوردهای گابریل را نادیده می گیرند و به دنبال بر کناری او هستند، خواسته یا ناخواسته پرسپولیس را در مسیر یک سقوط بزرگ و تاریخی قرار می دهند. این تیم اصلاً نیازی به تغییر روی نیمکت ندارد و فقط باید درون زمین تقویت شود. در چنین شرایطی دست زدن به نیمکت، یک قمار بزرگ و مرگبار تلقی خواهد شد. شروع کالدرون در پرسپولیس، حتی از شروع سرمربی کروات سابق باشگاه نیز امیدوار کننده تر بوده است. اگر ایوانکوویچ فرصت پیدا کرد تا تیم رو بیاپی اش را در چند فصل بسازد، چرا کالدرون نباید چنین فرصتی را در اختیار داشته باشد؟



خودش دست و پا کرده و می تواند فرصت بازی در تیم های بزرگ تر را نیز به دست بیاورد. او در تیم ملی چین نیز مهره به شدت مهمی به شمار می رود و هواداران تیم را به آینده امیدوار می کند. گل زدن به بارسا تجربه ای نیست که برای هر بازیکنی اتفاق بیفتد و حالا لسی، چنین تجربه فوق العاده ای را به دست آورده است.

یکی از پرستاره ترین لیگ هادر قاره آسیا به شمار می رود و در این سال ها، ستاره های بزرگ زیادی را به طرف خودش کشانده است. قوانین مالیاتی تا حدودی سدا راه باشگاه های چینی شده اند اما این لیگ هنوز هم در جذب بازیکنان و مربیان درجه یک، پیش قدم می شود. صورت چین به لالیگا، تنها به کمک یک لژیونر اتفاق نمی افتد. آنها در سال های گذشته تاثیر چشمگیری روی فوتبال اسپانیا گذاشته اند. چند باشگاه لالیگایی برای پیراهن شان با اسپانسرهای چینی همکاری کرده اند و به خاطر بازار چین، ساعت بازی های لالیگا نیز نسبت به گذشته عوض شده است. چین یکی از قطب های اقتصادی دنیا به شمار می رود و به همین خاطر، توانایی تاثیر گذاری روی فوتبال اروپا را دارد. چینی ها تا امروز بیشتر به لالیگا توجه نشان داده اند اما شاید دیر یا زود، فعالیت های خاص شان را در لیگ های معتبر اروپایی دیگر نیز

آرپا هتور

آیا گابریل کالدرون به ایران برمی گردد؟ پرسپولیس ها در شرایط فعلی پاسخی مطمئن برای این پرسش ندارند. به نظر می رسد سرنوشت مرد آرژانتینی نیز به ماجرای استراماچونی شبیه خواهد شد. باشگاه در یک اظهار نظر تازه، مدعی شده که کالدرون برای دریافت دستمزدش باید به ایران برگردد و این مربی نیز اعلام کرده تا زمانی که باشگاه به وعده هایش عمل نکند، به اردوی تیم ملحق نخواهد شد. شاید حتی اراده ای در باشگاه وجود دارد تا به دوران کالدرون پایان بدهد اما چرا بخشی از هواداران مقابل چنین اتفاق بزرگی، «بی تفاوت» هستند؟ استقبال مدیران باشگاه استقلال از پایان «رسمی» دوران آندره استراماچونی در این تیم، نشان می دهد آنها از مدت ها قبل در انتظار چنین اتفاقی بودند. خلیل زاده حتی در یک مصاحبه تاکید کرده که نیامدن مرد ایتالیایی، باشگاه را از یک هزینه بزرگ دور نگه داشته است. «هواداران» تنها دلیلی بودند که باشگاه برای مدتی به سراغ مذاکره مجدد با استراماقت. مدیران تیم اصلاً توقع نداشتند چنین موجی در حمایت از سرمربی شان شکل بگیرد و

اتفاق روز

وقتی بازیکن آسیایی دو امتیاز از بارسا گرفت

صدور چین به لالیگا!

در آخرین دقیقه دربی کاتالونیا، یک بازیکن چینی دو امتیاز حساس را از بارسلونا گرفت. «وو لی» که به محض ورود به زمین با یک ضربه سر خطرناک دروازه نتورا تهدید کرده بود، سرانجام با یک شلیک دقیق و تماشایی، مسابقه را به تساوی کشاند. اگر به نوشته های چینی روی پیراهن باشگاه اسپانیول دقت کنید، متوجه می شوید که خرید لی اساسا یک خرید «فنی» برای این تیم نبوده است. سفید و آبی ها پس از امضای قرارداد تجاری با یک کمپانی چینی، متعهد به جذب یک بازیکن از این کشور شدند و پیراهن شماره هفت باشگاه را نیز در اختیار او قرار دادند. درخشش لی برابر یکی از بهترین تیم های دنیا، حتی هواداران چینی بارسلونا را نیز تحت تاثیر قرار داد. بلافاصله بعد از گل وو، دوربین ورزشگاه خانگی اسپانیول به